



فلسفه غرب (۱)

(کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی)

دکتر افلاطون صادقی

امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پربار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز از این وضعیت بارها اظهار گله و ناخشنودی نموده‌اند.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاوردهای انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام(ص) این است که «بخوان!» و در اولین

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست مطالب کتاب

پانزده	پیشگفتار
۱	بخش اوّل: فلسفه دکارت
۳	فصل یک: دکارت و فلسفه او
۳	اهداف کلی
۳	اهداف یادگیری
۴	مقدمه
۵	۱-۱ فلسفه غرب
۷	۲-۱ فلسفه غرب و جایگاه دکارت
۱۰	۳-۱ شخصیت فردی و علمی دکارت
۱۱	۱-۳-۱ شرح حال دکارت
۱۳	۲-۳-۱ فعالیت علمی و فلسفی دکارت و آثار او
۱۷	۳-۳-۱ تأثیر دکارت در فلاسفه بعد از خود
۲۱	۴-۱ نگاه کلی به فلسفه دکارت
۲۱	۱-۴-۱ «فلسفه» از نظر دکارت
۲۳	۲-۴-۱ فلسفه دکارت
۲۳	۳-۴-۱ مبانی فلسفه دکارت
۳۰	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل اول
۳۲	خودآزمایی تشریحی
۳۳	فصل دوم: روش علمی و فلسفی دکارت
۳۳	اهداف کلی
۳۳	اهداف یادگیری
۳۴	مقدمه

۳۴	۱-۲ روش چیست؟
۳۵	۲-۲ روش علمی
۳۶	۳-۲ اقسام روش‌های علمی
۳۷	۴-۲ روش علمی دکارت
۳۸	۱-۴-۲ «روش» و اهمیت آن از نظر دکارت
۳۹	۵-۲ دیدگاه‌های مطرح درباره روش دکارت
۴۰	۱-۵-۲ روش شک
۴۱	۲-۵-۲ روش ریاضی
۴۴	۶-۲ دکارت و روش برهانی
۴۵	۱-۶-۲ دکارت و روش تحلیلی
۴۷	۲-۶-۲ دکارت و روش تألیفی
۵۰	۳-۶-۲ تفاوت روش تحلیلی و روش تألیفی
۵۱	۴-۶-۲ اثبات وجود خدا به روش تألیفی (هندسی)
۵۶	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل ۲
۵۷	خودآزمایی تشریحی
۵۸	فصل سوم: ماهیت و ویژگی شک دکارتی
۵۸	اهداف کلی
۵۸	اهداف یادگیری
۵۹	مقدمه
۵۹	۱-۳ انسان و مقوله شک
۶۰	۲-۳ معنا و مفهوم شک
۶۱	۳-۳ اقسام شک
۶۲	۱-۳-۳ شک‌گرایی در تاریخ فلسفه غرب
۶۵	۴-۳ ماهیت شک دکارتی
۶۹	۵-۳ مراحل شک دکارتی
۷۰	۱-۵-۳ شک در ادراکات حسی
۷۳	۲-۵-۳ شک در ادراکات عقلی
۷۵	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل سوم
۷۶	خودآزمایی تشریحی
۷۷	فصل چهارم: ذهن یا نفس دکارتی
۷۷	اهداف کلی
۷۷	اهداف یادگیری
۷۸	مقدمه
۷۸	۱-۴ خلاصه پیشینه‌ای از بحث نفس، قبل از دکارت

۸۱	۲-۴ دکارت، نفس ارسطویی یا افلاطونی؟
۸۲	۳-۴ دکارت، ذهن یا نفس؟
۸۵	۴-۴ «ذهن» دکارتی
۸۵	۱-۴-۴ ماهیت ذهن (نفس) از نظر دکارت
۸۸	۲-۴-۴ بقای ذهن (نفس) از نظر دکارت
۹۱	۳-۴-۴ مشکل ثنویت ذهن (نفس) و بدن در فلسفه دکارت
۹۲	۴-۴-۴ دکارت و حل مشکل ثنوی گرای (دوآلیسم)
۹۵	۵-۴ دکارتیان و مشکل ثنوی گرای
۹۵	۱-۵-۴ لایب‌نیس و مشکل ثنوی گرای
۹۶	۲-۵-۴ اسپینوزا و مشکل ثنوی گرای
۹۷	۳-۵-۴ مالبرانش و مشکل ثنوی گرای
۹۹	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل چهارم
۱۰۰	خودآزمایی تشریحی

۱۰۱ فصل پنجم: «خدا» در فلسفه دکارت

۱۰۱	اهداف کلی
۱۰۱	اهداف یادگیری
۱۰۲	مقدمه
۱۰۲	۱-۵ خدا در اندیشه فیلسوفان غرب و دکارت
۱۰۴	۲-۵ مفهوم یا تصوّر خدا
۱۰۵	۳-۵ دکارت و مفهوم یا تصوّر خداوند
۱۰۷	۴-۵ دکارت و چگونگی پیدایش مفهوم یا تصوّر خداوند
۱۰۷	۱-۴-۵ فطری بودن تصوّر خدا
۱۰۸	۲-۴-۵ دکارت و تصوّرات فطری
۱۱۲	۵-۵ دکارت و اثبات وجود «خدا»
۱۱۲	۱-۵-۵ تعداد برهان‌های دکارت در اثبات وجود خداوند
۱۱۳	۶-۵ برهان اول دکارت در اثبات وجود «خدا»
۱۱۶	۷-۵ نقد و بررسی برهان اول دکارت
۱۱۶	۱-۷-۵ نقد اول: تقدّم وجود بر فکر کردن
۱۱۷	۲-۷-۵ نقد دوم: نامشخص بودن مفهوم وضوح و تمایز
۱۱۸	۳-۷-۵ نقد سوم: نسبی بودن وضوح و تمایز
۱۲۰	۴-۷-۵ نقد چهارم: دور باطل
۱۲۱	۵-۷-۵ نقد پنجم: نقد اصل علیّت و نوع تبیین دکارت از آن
۱۲۲	۶-۷-۵ نقد ششم: بی‌نیاز بودن مفهوم «خدا» به علّت
۱۲۳	۸-۵ برهان دوم دکارت در اثبات وجود «خدا»
۱۲۵	۹-۵ نقد و بررسی برهان دوم دکارت

۱۲۵	۱-۹-۵ نقد اول: نامفهوم بودن «علت خود»
۱۲۶	۲-۹-۵ نقد دوم: عدم اثبات «علت مبیّنه» از سوی دکارت
۱۲۷	۳-۹-۵ نقد سوم: محال نبودن تسلسل
۱۲۸	۱۰-۵ برهان سوم، معروف به برهان وجودی
۱۳۰	۱۱-۵ نقد و بررسی برهان سوم دکارت (تقریر او از برهان وجودی)
۱۳۰	۱-۱۱-۵ نقد اول: «وجود» کمال و صفت حقیقی نیست
۱۳۱	۲-۱۱-۵ نقد دوم: ضرورت ذاتی در ظرف وجود است
۱۳۲	۳-۱۱-۵ نقد سوم: پل زدن بدون وجه از ذهن به عین و خارج
۱۳۴	۱۲-۵ دکارت، توحید خداوند و صفات او
۱۳۵	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل پنجم
۱۳۶	خودآزمایی تشریحی

۱۳۸ فصل ششم: فلسفه طبیعی دکارت

۱۳۸	اهداف کلی
۱۳۸	اهداف یادگیری
۱۳۹	مقدمه
۱۳۹	۱-۶ رابطه فلسفه طبیعی و مابعدالطبیعه
۱۴۰	۲-۶ مروری بر سیر فلسفه طبیعی در غرب، از یونانیان قدیم تا دکارت
۱۴۳	۳-۶ رویکرد کلی دکارت به فلسفه طبیعی و عناصر اصلی آن
۱۴۴	۴-۶ جوهر از نظر دکارت
۱۴۷	۵-۶ دکارت و جسم
۱۴۹	۱-۵-۶ صفات و ویژگی‌های اجسام
۱۵۰	۶-۶ فضا و مکان در فلسفه دکارت
۱۵۱	۱-۶-۶ تفاوت «فضا» و «مکان»
۱۵۲	۲-۶-۶ حقیقت فضا
۱۵۲	۳-۶-۶ اقسام مکان
۱۵۳	۴-۶-۶ تفاوت امتداد و فضا
۱۵۴	۵-۶-۶ خلاصه به عنوان یک امر غیرمعقول
۱۵۴	۶-۶-۶ نامحدود بودن جهان
۱۵۵	۷-۶-۶ نفی جهان‌های متعدد
۱۵۵	۷-۶-۶ تبیین دکارت از حرکت
۱۵۵	۱-۷-۶ اهمّیت حرکت در فلسفه دکارت
۱۵۶	۲-۷-۶ دکارت و نوع حرکت
۱۵۶	۳-۷-۶ تعریف حرکت از نظر دکارت
۱۵۷	۴-۷-۶ علت و منشأ حرکت
۱۵۷	۵-۷-۶ قوانین حرکت

۱۵۸	۸-۶ زمان در فرایند فلسفه طبیعی دکارت
۱۶۰	۹-۶ حاصل تصوّر دکارت از جهان طبیعی
۱۶۳	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل ششم
۱۶۴	خودآزمایی تشریحی

بخش دوم: فلسفه کانت

۱۶۷	فصل هفتم: شرح حال کانت و زمینه‌های پیدایش فلسفه او
۱۶۷	اهداف کلی
۱۶۷	اهداف یادگیری
۱۶۸	مقدمه
۱۶۸	۱-۷ شرح حال مختصری از ایمانوئل کانت
۱۷۰	۲-۷ تألیفات دوره قبل از نقد
۱۷۲	۳-۷ تألیفات دوره نقدی
۱۷۴	۴-۷ مروری بر عوامل و زمینه‌های پیدایش فلسفه نقدی کانت
۱۷۵	۱-۴-۷ خود - عاملی فلسفه
۱۷۷	۲-۴-۷ عامل شخصیت و نبوغ کانت
۱۷۷	۳-۴-۷ شرایط و فضای حاکم در زمان کانت
۱۷۹	۵-۷ وجوه اشتراک و اختلاف دو رویکرد خردگرایی و تجربه‌گرایی در قرون هفدهم و هجدهم
۱۸۰	۱-۵-۷ استفاده از زبان‌های بومی، به‌عنوان وجه اشتراک
۱۸۰	۲-۵-۷ فارغ‌بودن از مفروضات کلامی، به‌عنوان وجه اشتراک
۱۸۰	۳-۵-۷ رویکرد اومانستی و انسان‌گرایانه، به‌عنوان وجه اشتراک
۱۸۱	۴-۵-۷ رویکرد علم‌گرایی، به‌عنوان وجه اشتراک
۱۸۱	۵-۵-۷ تشکیک در مابعدالطبیعه، به‌عنوان وجه اشتراک
۱۸۲	۶-۵-۷ ویژگی توجّه به معرفت‌شناسی، به‌عنوان وجه اشتراک
۱۸۲	۷-۵-۷ نگرش‌های مختلف به معرفت و تبیین متفاوت از معرفت‌شناسی، به‌عنوان وجه اختلاف
۱۸۴	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل هفتم
۱۸۵	خودآزمایی تشریحی

فصل هشتم: مروری کلی بر فلسفه کانت

۱۸۶	اهداف کلی
۱۸۶	اهداف یادگیری
۱۸۷	مقدمه
۱۸۸	۱-۸ عناوین مطرح برای فلسفه کانت
۱۸۸	۱-۱-۸ فلسفه کانت به‌عنوان فلسفه نقدی
۱۸۹	۲-۱-۸ فلسفه کانت به‌عنوان مابعدالطبیعه
۱۹۳	۳-۱-۸ فلسفه کانت به‌عنوان فلسفه استعلایی

۱۹۶	۴-۱-۸ فلسفه کانت به عنوان «معرفت‌شناسی»
۱۹۸	۲-۸ تبیین کلی پیدایش شناخت انسان از نظر کانت
۱۹۹	۱-۲-۸ جایگاه تجربه در معرفت‌شناسی کانتی
۲۰۰	۲-۲-۸ قوا و منابع شناخت در انسان
۲۰۲	۳-۲-۸ جایگاه عقل در معرفت‌شناسی کانتی
۲۰۳	۴-۲-۸ ساحت نظری و عملی عقل
۲۰۵	۳-۸ شناخت تحلیلی و شناخت ترکیبی (تألفی)، احکام تحلیلی و احکام ترکیبی (تألفی)
۲۰۶	۱-۳-۸ نظر هیوم درباره اقسام گزاره‌ها و اختلاف نگرش کانت با او
۲۰۷	۲-۳-۸ اقسام گزاره‌های ترکیبی (تألفی) از نظر کانت
۲۰۹	۳-۳-۸ احکام ترکیبی پیشین و علوم ریاضی
۲۱۰	۴-۳-۸ احکام ترکیبی پیشین و علوم طبیعی (فیزیک)
۲۱۰	۵-۳-۸ احکام ترکیبی پیشین و علم مابعدالطبیعه
۲۱۱	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل هشتم
۲۱۳	خودآزمایی تشریحی

۲۱۴	فصل نهم: حسیات استعلایی
۲۱۴	اهداف کلی
۲۱۴	اهداف یادگیری
۲۱۵	مقدمه
۲۱۵	۱-۹ نگرش ماقبل کانتی به زمان و مکان (فضا)
۲۱۹	۲-۹ کانت و زمان و مکان (فضا)
۲۲۱	۱-۲-۹ شهود از نظر کانت
۲۲۳	۲-۲-۹ انواع تبیین کانت از زمان و مکان (فضا)
۲۲۳	۳-۹ شرح مابعدالطبیعی مکان (فضا) و زمان
۲۲۴	۱-۳-۹ شرح مابعدالطبیعی (متافیزیکی) مکان (فضا)
۲۲۶	۲-۳-۹ شرح متافیزیکی (مابعدالطبیعی) «زمان»
۲۲۷	۴-۹ شرح استعلایی مکان (فضا) و زمان
۲۲۷	۱-۴-۹ شرح استعلایی مکان (فضا)
۲۲۸	۲-۴-۹ شرح استعلایی زمان
۲۲۸	۵-۹ نتیجه‌گیری
۲۲۹	۶-۹ تفاوت دو صورت شهودی زمان و مکان از نظر کانت
۲۳۰	۷-۹ نقدی بر دیدگاه کانت درباره زمان و مکان
۲۳۲	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل نهم
۲۳۳	خودآزمایی تشریحی

۲۳۴	فصل دهم: تحلیلات استعلایی (۱)
۲۳۴	اهداف کلی
۲۳۴	اهداف یادگیری
۲۳۵	مقدمه
۲۳۷	۱-۱۰ منطق استعلایی و منطق عمومی
۲۳۷	۲-۱۰ بخش‌های منطق استعلایی
۲۳۸	۳-۱۰ تحلیلات استعلایی و بخش‌های آن
۲۳۹	۴-۱۰ تحلیلات مفاهیم فاهمه
۲۴۰	۵-۱۰ مقولات کانتی و مقولات ارسطویی در نگاه کلی و مقایسه آن‌ها
۲۴۲	۶-۱۰ استنتاج متافیزیکی مقولات
۲۴۴	۷-۱۰ تقسیم قضایا و احکام در منطق صوری
۲۴۴	۱-۷-۱۰ تقسیم قضایا از حیث کمیت
۲۴۴	۲-۷-۱۰ تقسیم قضایا از حیث کیفیت
۲۴۴	۳-۷-۱۰ تقسیم قضایا از حیث نسبت
۲۴۵	۴-۷-۱۰ تقسیم قضایا از حیث جهت
۲۴۵	۸-۱۰ تقسیم احکام در منطق کانتی
۲۴۵	۱-۸-۱۰ تقسیم احکام کانتی از حیث کمیت
۲۴۶	۲-۸-۱۰ تقسیم احکام کانتی از حیث کیفیت
۲۴۷	۳-۸-۱۰ تقسیم احکام کانتی از حیث نسبت
۲۴۸	۴-۸-۱۰ تقسیم احکام کانتی از حیث جهت
۲۴۹	۹-۱۰ مقولات کانتی
۲۴۹	۱-۹-۱۰ مقولات مربوط به کمیت
۲۵۰	۲-۹-۱۰ مقولات مربوط به کیفیت
۲۵۱	۳-۹-۱۰ مقولات مربوط به نسبت
۲۵۲	۴-۹-۱۰ مقولات مربوط به جهت
۲۵۲	۵-۹-۱۰ ملاحظاتی درباره مقولات
۲۵۳	۱۰-۱۰ نقدی بر تبیین متافیزیکی کانت از مقولات
۲۵۵	۱۱-۱۰ استنتاج استعلایی مقولات
۲۵۶	۱۲-۱۰ ترکیب (تألیف) و مراتب آن
۲۵۶	۱-۱۲-۱۰ ترکیب ادراک ساده در شهود
۲۵۷	۲-۱۲-۱۰ ترکیب بازسازی در خیال
۲۵۷	۳-۱۲-۱۰ ترکیب بازشناخت در مفهوم
۲۵۸	۱۳-۱۰ وحدت آگاهی استعلایی
۲۶۰	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دهم
۲۶۱	خودآزمایی تشریحی

۲۶۳	فصل یازدهم: تحلیلات استعلایی (۲)
۲۶۳	اهداف کلی
۲۶۳	اهداف یادگیری
۲۶۴	۱-۱۱ تحلیلات اصول (نظریه استعلایی حکم)
۲۶۵	۲-۱۱ شاکله سازی مقولات
۲۶۸	۳-۱۱ شاکله های مقولات مختلف
۲۶۸	۱-۳-۱۱ شاکله مقولات متناظر با احکام از حیث کمیت
۲۶۹	۲-۳-۱۱ شاکله مقولات متناظر با احکام از حیث کیفیت
۲۶۹	۳-۳-۱۱ شاکله مقولات متناظر با احکام از حیث نسبت
۲۷۰	۴-۳-۱۱ شاکله مقولات متناظر با احکام از حیث جهت
۲۷۱	۴-۱۱ اصول فاهمه محض
۲۷۲	۱-۴-۱۱ عالی ترین اصل کلی احکام تحلیلی
۲۷۲	۲-۴-۱۱ عالی ترین اصل کلی احکام ترکیبی
۲۷۳	۳-۴-۱۱ اصول چهارگانه متناظر با شاکله ها
۲۷۴	۵-۱۱ تبیین اصول چهارگانه فاهمه
۲۷۴	۱-۵-۱۱ اصول متعارف شهود
۲۷۵	۲-۵-۱۱ پیش یابی های ادراک حسی
۲۷۶	۳-۵-۱۱ تشابهات تجربه (آنالوژی های تجربه)
۲۷۸	۴-۵-۱۱ اصل موضوعه تفکر تجربی
۲۸۰	۶-۱۱ «نومن» و «فنومن»
۲۸۴	خودآزمایی چهارگزینه ای فصل یازدهم
۲۸۶	خودآزمایی تشریحی
۲۸۷	فصل دوازدهم: کانت و جدل (دیالکتیک) استعلایی
۲۸۷	اهداف کلی
۲۸۷	اهداف یادگیری
۲۸۸	مقدمه
۲۸۹	۱-۱۲ توهم استعلایی و جایگاه آن از نظر کانت
۲۹۰	۲-۱۲ مفاهیم متعالی عقل محض (ایده های استعلایی)
۲۹۱	۱-۲-۱۲ چگونگی پیدایش ایده ها
۲۹۲	۳-۱۲ استدلال های قیاسی دیالکتیکی عقل محض
۲۹۳	۴-۱۲ مغالطات روان شناسی استدلالی (عقلی)
۲۹۴	۱-۴-۱۲ مغالطه اول
۲۹۵	۲-۴-۱۲ مغالطه دوم
۲۹۵	۳-۴-۱۲ مغالطه سوم
۲۹۶	۴-۴-۱۲ مغالطه چهارم

۲۹۸	۵-۴-۱۲ نکاتی از بحث مغالطات استدلال‌های روان‌شناسی
۲۹۸	۵-۱۲ تعارضات عقل محض (احکام جدلی الطرفین عقل محض - احکام معارض جهان‌شناسی استدلالی)
۳۰۰	۱-۵-۱۲ اولین تعارض ایده‌های استعلایی
۳۰۲	۲-۵-۱۲ دومین تعارض ایده‌های استعلایی
۳۰۴	۳-۵-۱۲ سومین تعارض ایده‌های استعلایی
۳۰۵	۴-۵-۱۲ چهارمین تعارض ایده‌های استعلایی
۳۰۶	۵-۵-۱۲ چند نکته در مورد تعارض ایده‌های استعلایی
۳۰۷	۶-۱۲ ایده‌آل استعلایی عقل محض («خدا» و دلایل اثبات وجود او)
۳۰۸	۱-۶-۱۲ اقسام الهیات (خداشناسی) از نظر کانت
۳۱۰	۲-۶-۱۲ برهان وجودی بر اثبات وجود خداوند و نقدهای کانت
۳۱۰	۳-۶-۱۲ نقدهای کانت بر برهان وجودی
۳۱۳	۴-۶-۱۲ تحلیلی بر نقدهای کانت از برهان وجودی
۳۱۵	۷-۱۲ برهان جهان‌شناختی بر اثبات وجود خداوند و نقدهای کانت
۳۱۶	۱-۷-۱۲ تحلیلی بر نقدهای کانت از برهان جهان‌شناختی
۳۱۷	۸-۱۲ برهان کلامی - طبیعی بر اثبات وجود خداوند و نقدهای کانت
۳۱۹	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دوازدهم
۳۲۱	خودآزمایی تشریحی
۳۲۳	پاسخ‌نامه خودآزمایی‌های چهارگزینه‌ای
۳۲۵	منابع

پیشگفتار

حمد و سپاس به درگاه خداوندی که هر توفیقی از اوست و نعمت یادگرفتن و یاددادن را، که از برترین توفیقات است، نصیب انسان نمود. کتاب حاضر برای تدریس و یادگیری درس فلسفه غرب (۱) در رشته‌های فلسفه و کلام اسلامی، و فلسفه و حکمت اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد، در دانشگاه پیام‌نور فراهم شده است.

این کتاب بر اساس سرفصل‌های رسمی، شامل دو بخش می‌شود که بخش اول به بیان و بررسی فلسفه رنه دکارت، فیلسوف فرانسوی و بخش دوم به بیان و بررسی فلسفه ایمانوئل کانت، فیلسوف آلمانی، می‌پردازد. هر بخش دارای شش فصل است. در این فصول سعی شده با توجه به نظام آموزشی پیام‌نور، در حد امکان، مطالب اصلی فلسفه هر فیلسوف به‌طور ساده و واضح بیان گردد. هر فصل با بیان اهداف کلی و یادگیری، آغاز و با خودآزمایی‌های تشریحی و تستی پایان می‌یابد. با مطالعه اهداف، مشخص می‌شود در هر فصل به دنبال چه مطالب و نکاتی هستیم و خواننده را آماده می‌کند تا سیر مطالب را هدف‌مند دنبال نماید. در پایان مطالعه هر فصل، پرسش‌ها و پاسخ به آن‌ها معیاری برای آزمودن خود در رسیدن به اهداف تعیین شده است. پاسخ پرسش‌های تستی در پایان کتاب آمده است و بعد از پاسخ خود می‌توانیم آن‌ها را با پاسخنامه مربوطه مقایسه نماییم. یادآوری می‌شود که حجم کتاب، بر اساس مقطع تحصیلی تهیه شده و مطالب آن بر این مبنا است که دانشجویان تا حدودی با مکاتب فلسفی دو فیلسوف مهم دوران جدید آشنایی دارند، اما بر این امر تأکید می‌شود که برای فهم مطالب بایستی آن‌ها را با دقت مطالعه کنیم. امید آن‌که مورد استفاده قرار گیرد.

از آنجا که این کتاب، حاصل بضاعت علمی مختصر نگارنده است که در پی سال‌ها تحصیل و تدریس و تتبع در آثار نویسندگان و محققان به‌دست آمده، بر خود فرض می‌دانم تا سپاسگزار همه کسانی باشم که در این امر سهیم‌اند.

از خداوند بزرگ به‌خاطر همه عنایاتش سپاسگزارم. از همه استادان بزرگوار خود در همه مراحل تحصیل تشکر و قدرانی می‌کنم و از خداوند متعال برای آن‌هایی که از دنیا رفته، طلب رحمت و مغفرت و برای آن‌هایی که در قید حیات هستند، سلامتی و موفقیت خواستارم. تشکر و سپاس خود را از همه نویسندگان و مترجمان ایرانی و غیرایرانی که از آثارشان به‌طور مستقیم، که نامشان آمده، یا غیر مستقیم استفاده بردم، اعلام داشته، برای آن‌ها از خداوند، خیر دنیا و آخرت طلب می‌نمایم. از ویراستار علمی و ویراستاران ادبی و همچنین از ارزیاب و داور گرامی که از نظریات و نکات تکمیلی ایشان استفاده کردم، تشکر و قدرانی می‌نمایم.

از همه همکارانم در دانشگاه، استادان محترم گروه، همکاران محترم بخش الهیات، همکاران محترم مدیریت تجهیز محتوای آموزشی، چاپخانه و دیگری که در به‌سامان رسیدن آثار از ابتدا تا انتها متحمل زحمتی می‌شوند، سپاسگزارم و برایشان سلامتی و موفقیت آرزو مندَم.

و کلام آخر که همان کلام اول است، درخواست یاری از خداوند برای هدایت و اصلاح اندیشه و فکرمان و حاصل آن، و درخواست از همه خوانندگان این اثر، به‌ویژه دانشجویان گرامی و استادان محترم مدرّس که برای رفع ایرادات آن، این حقیر را راهنمایی فرمایند.

ای خدای عقل‌ها فریادرس	تا نخواهی تو نخواهد هیچ‌کس
یاد ده ما را سخن‌های دقیق	که تو را رحم آورد همان ای رفیق
گر خطا گفتیم اصلاحش تو کن	مصلحتی تو ای تو سلطان سخن

والله ولی التّحقیق و بیده التّوفیق
افلاطون صادقی

بخش اوّل

فلسفه دکارت

فصل اول

دکارت و فلسفه او

اهداف کلی

آشنایی کلی با شخصیت و نظام فلسفی فیلسوف فرانسوی، رنه دکارت.

اهداف یادگیری

دانشجو پس از مطالعه این فصل باید بتواند:

۱. درباره مبانی تقسیم فلسفه به اقسام مختلف توضیح دهد.
۲. مبانی تقسیم فلسفه به غرب و شرق را تبیین نماید.
۳. به این سؤال که منظور از فلسفه غرب یا فلسفه غربی چیست؟ پاسخ دهد.
۴. سیر فلسفه غرب و جایگاه دکارت را در آن به طور مستوفی بیان دارد.
۵. خلاصه‌ای از شرح حال، فعالیت علمی و فلسفی رنه دکارت را ارائه دهد.
۶. آثار مهم دکارت را بیان و آن‌ها را با توضیح محتوایی تشریح نماید.
۷. فلسفه از نظر دکارت را تبیین و با نگرش ارسطوییان به فلسفه مقایسه کند.
۸. فلسفه دکارت را با بیانی کلی، همراه با مبانی آن تشریح نماید.
۹. اصالت عقلی بودن فلسفه دکارت را تبیین، نقد و بررسی نماید.
۱۰. اتصاف فلسفه دکارت را به مبنای روان‌شناختی تبیین نماید.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های انسان، تفکر و اندیشه‌گری است. انسان موجودی عاقل و شاید تنها موجود صاحب اندیشه است. انسان از همان آغاز پیدایش، در زمینه‌های مختلف، اندیشه خود را به کار برده است. او با خردورزی، به رفع نیازهای خود پرداخته و از طریق تعقل درصدد استفاده از مناسب‌ترین ابزارها برای ادامه حیات و بهینه‌ساختن آن بوده است. اکتشاف‌های آدمی و تأثیر اختیاری او در تغییر و تحولات جهان هستی، بهترین دلیل بر وجود این صفت ممیزه در او و تمایزش از سایر موجودات عالم است.

از سوی دیگر، اندیشه‌گری و تعقل آدمی به تبع امر مهم‌تری است. این امر مهم یکی از اهداف اصلی وجود انسان است. این هدف بنیادی که در پی خود، ده‌ها لوازم و عوارض مثبت و برکات زیادی آورده، یافتن حقیقت است. انسان، موجودی حقیقت‌جو است و در طول تاریخ زندگی خود، آنچه به‌دست آورده، حاصل این کنجکاوی و حقیقت‌جویی است. به عبارت دیگر، حقیقت‌جویی یا کنجکاوی، بشر را به موجودی فعال و پژوهشگر در جهان هستی مبدل ساخته است؛ به‌طوری که نه تنها باعث تغییر و تحول و توسعه حیات خود گردیده، بلکه نوع و نحوه زندگی سایر موجودات زنده و حتی جایگاه پدیده‌های غیرزنده و مادی را هم متحول کرده است. به همین دلیل، تاریخ انسانی بیانگر و نشان‌دهنده تلاش آدمی در جهت یافتن حقیقت است.

در این راستا است که فلسفه متولد می‌گردد و به این معنا فلسفه، همزاد انسان است. از این منظر، فلسفه به انسان تعلق داشته و جزو تملکات هیچ قومی نیست، اما از طرف دیگر، در سیر کمال انسان‌ها و به‌خاطر ایجاد تمدن‌های مختلف در میان اقوام گوناگون بشری، هر قوم و فرهنگی در تحولات فلسفه سهیم بوده و در نتیجه، فلسفه‌های مختلف به فرهنگ‌های گوناگون تعلق می‌گیرد. از این جهت فلسفه شرق، فلسفه غرب، فلسفه اسلامی، فلسفه مسیحی، بودیسم و غیره رخ‌نمایی می‌کند. از آنجا که مبحث اصلی ما، در اینجا دیدگاهی فلسفی از «فلسفه غرب» است، نیم‌نگاهی به این عنوان می‌نماییم.

۱-۱ فلسفه غرب

منظور از فلسفه غرب یا «فلسفه غربی»^۱ چیست؟ کلمه «فلسفه»^۲، برگرفته از زبان یونانی است. ریشه این کلمه، فیلسوفیا (φιλοσοφία) به شکل تحت اللفظی به معنای دوستدار دانش است، اما حقیقت فلسفه، انکشاف چستی موجود و نحوه وجود آن است و این حقیقت از آن جهت که تاریخی است، در هر دوره‌ای به نحوی و با نامی ظاهر می‌شود. بنابراین، فلسفه نیز به تبع نمودهای این حقیقت، تاریخی دارد. به عبارت دیگر، علم و دانش و معرفت، از جمله فلسفه، فرایندی است انسانی که به تبع حرکت تاریخی انسان دارای سیر تاریخی است. این فرایند مثل سایر فرایندهای بشری، در مراحل مختلف، دارای ویژگی‌های خاصی است و اندیشمندان و محققان با استفاده از این ویژگی‌ها و برای مطالعه آسان‌تر، آن را به بخش‌های گوناگون و هر بخش را به دوره‌ها و مراحل مختلف تاریخی تقسیم نموده‌اند.

این تقسیمات بر اساس مبانی مختلف صورت گرفته‌است. تقسیم بر اساس بن‌مایه‌های فلسفی، قلمروی جغرافیایی، بر اساس زبان آثار باقی‌مانده، بر اساس روش تحقیق، بر اساس نوع نگرش فلاسفه، بر اساس اعتقادات فلاسفه و... از جمله تقسیمات فلسفه به‌شمار می‌آید.^۳

فلسفه غرب، فلسفه شرق، فلسفه اسلامی، فلسفه مسیحی، فلسفه یهودی، فلسفه یونانی، فلسفه ایرانی، فلسفه چینی، فلسفه عربی، فلسفه انگلیسی، فلسفه آلمانی، فلسفه تجربی، فلسفه عقلی، فلسفه سنتی یا کلاسیک، فلسفه جدید، فلسفه معاصر و ده‌ها عنوان دیگر از جمله عناوینی است که به فلسفه‌هایی داده می‌شود که بر اساس معیارهای فوق‌الذکر تقسیم شده‌اند. هرکدام از آن‌ها قابل مطالعه و تحقیق بوده و گاهی به صورت تاریخی در تاریخ فلسفه و گاهی به صورت محتوایی در آثار مربوط به هرکدام، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

می‌توان گفت برای تقسیم فلسفه به فلسفه غرب و شرق سه مبنا وجود دارد (ر. ک.

علی‌زاده، ۱۳۸۲: ۵۵). این مبانی به قرار زیرند:

1. Western philosophy

2. philosophy

۳. برای آگاهی از تقسیمات فلسفه ر. ک. کتب تاریخ فلسفه، نصری، ۱۳۷۷: ص ۱۳۶-۱۳۵، و یربی، ۱۳۸۸، و علی‌زاده، ۱۳۸۲، ص ۵۵ به بعد.